

بومی‌سازی واجی و صرفی وام‌واژه‌ها در زبان ترکی آذربایجانی

* محمدرضا احمدخانی

** دیانا رشیدیان

چکیده

هدف این تحقیق بررسی تغییرات واجی و صرفی وام‌واژه‌ها در زبان ترکی‌آذربایجانی می‌باشد. سخن‌گویان هر زبانی برای استفاده از وام‌واژه‌ها، آن‌ها را در دستگاه صرفی و واجی بومی خود تغییر می‌دهند. در این پژوهش ابتدا واژگانی که از زبان‌های فارسی و عربی وارد این زبان شده مشخص گردیده سپس به بررسی تغییرات واجی مانند هماهنگی واکه‌ای، ابدال، درج، حذف، نرم‌شدگی، همگونی و تغییرات صرفی از جمله ترکیب و اشتقاق پرداخته شده است. در این پژوهش از روش توصیفی و تحلیلی و به منظور جمع‌آوری داده‌ها از فرهنگ‌های لغت ترکی-فارسی استفاده شده است. در حوزه واج‌شناسی چارچوب نظری واج‌شناسی زایشی است. در این پژوهش ۷۰۴ وام‌واژه از زبان‌های فارسی و عربی بررسی شدند. در این پژوهش مشخص گردید که از میان فرایندهای واجی فرایند هماهنگی واکه‌ای بیشترین بسامد را دارا بوده و کمترین بسامد مربوط به فرایند همگونی است. در حوزه صرف فرایند اشتقاق و ترکیب مورد بررسی قرار گرفت. بیشترین بسامد مربوط به اشتقاق و کمترین بسامد مربوط به ترکیب می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: فرایندهای واجی، فرایندهای صرفی، وام‌واژه‌ها، ترکی آذربایجانی، فارسی.

* استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسول)، ahmadkhani@pnu.ac.ir

** کارشناس ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، ra.tanaz@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۱۸

۱. مقدمه

یکی از عوامل تغییر زبان وام‌گیری است. تحت تأثیر وام‌گیری واژه‌ها می‌توانند دچار تغییر واجی، صرفی، نحوی و معنایی شوند. و به باور هادسون (Hudson, 2001:59) هیچ سطحی از زبان نمی‌تواند تحت تأثیر وام‌گیری قرار نگیرد. این تغییرات در طول زمان و طی قرن‌ها بر روی زبان‌ها تغییرات خود را اعمال می‌کنند. زمانی که دو زبان به دلایل جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی همزیستی می‌کنند تأثیر آن‌ها بر همدیگر اجتناب‌ناپذیر است. در گذشته واژه‌های مربوط به دین اسلام از طریق زبان ترکی به دلیل امپراطوری عثمانی به زبان‌های اروپایی راه یافته است و اکنون زبان انگلیسی زبان وام‌دهنده به بیشتر زبان‌های دنیا است (Trudgill, 1974:162, 165). اما زمانی که فرهنگ‌ها با یکدیگر برخورد می‌کنند، وام‌گیری عمدتاً در حوزه واژگان صورت می‌گیرد.

وام‌گیری به شیوه‌های متفاوتی صورت می‌گیرد. ۱. وام‌گیری با اندک یا بدون هیچ تغییری در واژگان روی می‌دهد (وام واژه). ۲. گاهی واژه زبان اول به واژگان موجود زبان دوم ترجمه می‌شود (ترجمه وامی). ۳. واژه زبان خارجی با واژه موجود در زبان ترکیب می‌شود (ترکیب وامی). ۴. واژه زبان بومی ساختار زبان خارجی پیدا می‌کند (تغییر وامی). در این مقاله تنها به واژه‌های مقوله اول (وام‌واژه) پرداخته می‌شود که تغییرات اندک واجی و صرفی در آن‌ها روی داده است. تغییر وامی اغلب شامل ترجمه‌وامی و وام‌گیری معنایی است. زیرا این نوع تغییر در زبان وام‌گیرنده تنها به عنوان تغییر نقشی واژه‌های بومی ظاهر می‌شوند. وام واژه صورت پیچیده‌ای است که به طور کامل از تکواژ زبان خارجی تشکیل شده است. سخنگویان زبانی که این واژه‌ها را به زبان خود وارد می‌کنند، نه تنها معنی بلکه شکل واجی واژه را نیز می‌پذیرند. البته جایگزینی واحه‌های سازنده واژه زبان خارجی می‌تواند کم و بیش کامل باشد (Haugen, 1950: 250). بخش مهمی از مطالعات وام‌گیری در حوزه واج شناسی است که موضوع جالبی در زبان شناسی به شمار می‌رود، زیرا نزاع دو نظام آوایی و مصالحه آن‌ها را در یک زبان توصیف می‌کند. از یک سو زبان‌ها تلاش می‌کنند تا وام‌واژه‌ها را تا حد ممکن در انتقال به زبان مبدا حفظ کنند. از سوی دیگر این واژه‌ها باید با نظام آوایی زبان وام‌گیرنده سازگار شوند. در این تعامل بین وفاداری به زبان مبدأ و رعایت نظام بومی، زبان‌های وام‌گیرنده استراتژیهای ترمیم برای واژه‌ها را به کار می‌برند که شناختی از اصول واجی و آوایی دستور زبان را ارائه می‌دهد. بنابراین مطالعه

وام واژه‌ها نگرش ارزشمندی به عملکرد نظام‌های واجی می‌دهد که بدون چنین نگرشی نمی‌توان به آن دست یافت (Dohlus, 2008).

هدف از این تحقیق توصیف تغییرات واجی و صرفی وام‌واژه‌ها در زبان ترکی آذربایجانی و نیز بررسی آماری آن‌ها می‌باشد. فرضیه این تحقیق این است که واژگان وامی در زبان ترکی از لحاظ واجی و صرفی دارای تغییرات قابل ملاحظه‌ای می‌یابند. در این مقاله رابطه واژگان وامی با تغییرات واجی و صرفی به صورت کیفی و کمی بررسی می‌شوند. گویشوران زبان‌های مختلف به هنگام مواجهه با زبان بیگانه متوجه تفاوت‌های واجی و صرفی آن زبان با زبان بومی خود می‌شوند و می‌کوشند تا با تشخیص این تفاوت‌ها، قواعد و الگوهای برای زبان بومی خود فراهم کنند (شقاقی، ۱۳۸۷: ۱۲۶). زبان ترکی نیز از جمله این زبان‌ها می‌باشد و با توجه به اینکه کلمات زیادی از زبان‌های دیگر وارد این زبان شده است، گویشوران این زبان سعی کرده‌اند کلماتی که از زبان‌های فارسی، عربی، روسی، انگلیسی وام گرفته به نحوی تغییر دهند که بر اساس الگوهای واجی و صرفی زبان آن‌ها باشد.

ترکی جزء زبان‌های پیوندی است و از این رو ویژگی‌های خاص خود را دارد (Katamba, 2006:58). با توجه به اینکه صرف در این زبان ماهیت ساده‌ای دارد کافی است ریشه کلمه را بدانیم و پسوندها که تعداد مشخصی دارند، بشناسیم و این دو را کنار هم قرار دهیم و از ریشه‌های مختلف کلمات جدید بسازیم (هادی، ۱۳۷۴: ۴۸). تعداد ساختارهای مرکب در زبان ترکی فراوان است. بررسی دقیق وجود قواعد کلی در این زبان رانشان می‌دهد. وجود وندهای اشتقاقی نیاز به وام‌گیری در زبان ترکی را محدود کرده و در تغییرات صرفی از جمله ترکیب و اشتقاق از وندهای بسیاری استفاده می‌شود. در زبان ترکی همچنین از تغییرات آوایی در کلمات وامی استفاده می‌شود. کلماتی که از زبان‌های دیگر وام‌گیری شده‌اند جهت ساده شدن تولید آوا تغییرات واجی می‌یابند (Trudgill, 2002:165). با توجه به اینکه بعضی از واژه‌ها فقط در موقعیت‌های خاص بکار می‌روند و بر اساس نگرش و اعتقاد معانی متفاوت دارند، بنابراین پژوهشگران به مسایل اجتماعی و پردازش اطلاعات زبانی در ذهن توجه می‌کنند. در این تحقیق قصد داریم به سؤالات زیر پاسخ دهیم:

- چه فرایندهای واجی در بومی‌سازی وام واژه‌ها در زبان ترکی آذربایجانی وجود دارد؟
- چه فرایندهای صرفی در بومی‌سازی وام واژه‌ها در زبان ترکی آذربایجانی وجود دارد؟

- به لحاظ آماری کدام فرایندهای واجی و صرفی بیشتر در بومی‌سازی واژگان وامی در زبان ترکی آذربایجانی مورد استفاده قرار می‌گیرد؟

۲. وام‌گیری

مدرسی (۱۳۹۱: ۸۴ و ۹۰) معتقد استقرض‌گیری زبانی عبارت است از ورود عناصر واژگانی یا ساختاری یک زبان یا گویش در زبان یا گویشی دیگر نوع و ماهیت واژه‌های قرضی تا حدی وابسته به نوع و ماهیت ارتباطی غیر زبانی میان دو فرهنگ است. به اعتقاد گامپرز (Gamperz, 1982: 6) قرض‌گیری به طور کلی عبارتست از وارد نمودن واژه‌های واحد یا عبارات اصطلاحی کوتاه از گونه‌ای به گونه‌ای دیگر. بیشتر واژگان وامی اسم می‌باشند؛ به این دلیل که اسامی مستقل هستند و وام‌گیری آن‌ها آسان می‌باشد (Atchison, 2000: 62). با بررسی وام‌واژه‌ها می‌توان هم الگوهای وام‌گیری رایج هر زبان را مشخص کرد و هم بسامد وقوع هر یک را تعیین کرد و نتیجه گرفت که گویشوران هر زبان کدام الگو یا شیوه را ترجیح می‌دهند. (شقایق، ۱۳۸۷: ۱۲۷). وام‌واژه‌ها کلماتی هستند که از زبان بیگانه وارد زبان می‌شوند و توسط فرد یک زبانه که از ریشه خارجی آن مطلع باشد، یا نباشد مورد استفاده قرار می‌گیرند (Romaine, 1989: 55). اصطلاح وام‌واژه که گاهی وام‌گیری نامیده می‌شود، به عنوان رمز گردانی در سطح کاربردی دو زبان اطلاق می‌گردد و برخی اوقات به انتقال واژه مربوط است (Heath, 1989, Haugen, 1950: 212). وام‌واژه‌ها به ویژه در زبان‌های آسیایی به دلیل میزان بالای آن از زبان‌های هندو اروپایی مرد توجه فراوانی بوده و پژوهش‌های فراوانی در این زبان‌ها صورت گرفته است. جونز (Jones, 2008) به مطالعه وام‌واژه‌های انگلیسی، هلندی، ژاپنی، فارسی، تامل و سانسکریت در زبان مالایی اندونزیایی پرداخته است. عبدالجابر (Abdil Jabber, 1983) در مورد وام‌واژه‌های عربی در زبان مالایی تحقیق نموده است. اروین (Irwin, 2011) به بررسی وام‌واژه‌ها در زبان ژاپنی از قرن ۱۶ تا کنون پرداخته است. حافظ (Hafiz, 1996) به بررسی فرایندهای واجی و صرفی در وام‌واژه‌های زبان عربی پرداخته است. زواوی (Zwawi, 1979) تأثیر وام‌واژه‌ها در طبقه بندی اسامی در سواحلی را بررسی نموده است. پریماواردهنا (Premawardhenam, 2003) به تأثیر زبان انگلیسی بر زبان سینه‌الای مدرن پرداخته است. بررسی تأثیر صرفی پسوندهای جمع ساز انگلیسی در سازگاری وام‌واژه‌ها در زبان کره‌ای توسط اوه و کیم (Oh & Kim, 2011) صورت گرفته است. چانگ (Chang, 2008) به بررسی فرایندهای آوایی و واجی وام‌واژه‌ها

در زبان برمه پرداخته است. در مورد وام واژه‌هایی که عامل آن نزدیکی جغرافیایی است می‌توان مجموعه مقالات وام‌واژه‌های اسپانیایی در انگلیسی گونزالس (Gonzalez, 1996) و وام‌واژه‌های اسکاندیناوی در انگلیسی میانه بجزورکمن (Bjorkman, 1969) را ذکر نمود. کوریته (Corriente, 2008) فرهنگ وام‌واژه‌های عربی و زبان‌های متحد (فارسی و ترکی) در زبان‌های اروپایی را گردآوری نموده که نتیجه نفوذ اسلام به اروپا می‌باشد. هسپلمث و تدمور (Haspelmath & Tadmor, 2009) به بررسی تطبیقی وام‌واژه‌ها در برخی زبان‌های دنیا پرداخته‌اند. اُفمن (Uffman, 2007) درج واکه در سازگاری وام‌واژه‌ها را در قالب نظریه بهینگی بررسی نموده است.

۳. بومی‌سازی

به اعتقاد بسیاری از محققان از جمله هوفمن (Hoffmann, 1990: 101) و پوپلاک (Poplack, 1980: 58) واحدهای وام گرفته شده معمولاً به گونه یا زبان مبدأ گوینده سازگار می‌شوند. هوفمن (Huffmann, 1990: 101) معتقد است که این پدیده در تمامی زبان‌ها جهانی است؛ زیرا آن‌ها همگی واحدهای واژگانی را از دیگر زبان‌ها وام‌گیری می‌کنند. برکو (1958) معتقد است که سازگاری وام‌واژه‌ها شیوه عملی برای پی‌بردن به دانش دستوری سخنگویان است. عمده سازگاری در حوزه آواشناسی، واج‌شناسی و صرف است. اما از میان اینها سازگاری واج‌شناختی وام‌واژه‌ها بیش از دیگر حوزه‌ها است. به اعتقاد این افراد سازگاری وام‌واژه‌ها بر پایه شناسایی مقولات واجی است و شباهت آوایی تنها نقش اندکی در این میان دارد (LaCharité & Paradis, 2005: 235; Danesi, 1985). فرایندهای مهم آوایی و واجی که در بومی‌سازی واجی در زبان‌های مختلف دخیل بوده‌اند عبارتند از: تغییر همخوان و واکه، حذف واج یا هجا، مضاعف سازی، تغییر تکبیه، جایجایی واجی، افزودن واج، ابدال، درج واج، تغییر خوشه همخوانی، دمش، خنثی شدگی، واکه‌ای شدن، تنزل واکه، خیشومی شدگی، هماهنگی واکه‌ای - همخوانی.

در حوزه صرف نیز سازگاری با زبان وام‌گیرنده وجود دارد. در این سطح تغییر در وندهای اشتقاقی و تصریفی، وندهای جنسیت، عدد، جمع، طبقه اسامی، ترکیب، صیغگان اشتقاقی، پیشوندها، پسوندها و میانوندها.

در میزان سازگاری وام‌واژه‌ها دو عامل زبانی و غیر زبانی دخیل هستند. عامل زبانی ماهیت زبانی خود وام‌واژه است. برخی واژگان به دلیل ساختار خود می‌توانند تحت تأثیر

فرایندهای واجی و صرفی قرار گیرند. عامل غیر زبانی به نگرش سخنور زبانی و بسامد استفاده از وام واژه مربوط می‌شود. سخنگویان زبانی که نگرش مثبت به زبان خارجی دارند زبان وام دهنده را دارای پرستیز می‌دانند و خواهان شناسایی خود با این زبان هستند و از دیگر فرهنگ‌ها با روی باز استقبال می‌کنند. این افراد در وام‌واژه‌ها تغییر و سازگاری به وجود نمی‌آورند و خود را دو زبانه و دو فرهنگی قلمداد می‌کنند (Romaine, 1989:65).

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۱.۴ فرایندهای آوایی و واجی

۱.۱.۴ فرایندهای آوایی

۱.۱.۱.۴ فراتمايز آوایی

در فرایند فراتمايز آوایی (phonetic over differentiation) در زبان وام گیرنده آوایی وجود دارد که در زبان مبدا وجود ندارد (Hafez, 1996:401). زبان ترکی آذربایجانی دارای واکه‌های گرد پیشینی است که در زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی که مبدأ بیشتر وام واژه‌ها است وجود ندارد. بنابراین در برخی از وام واژه‌ها همچون (۱) و (۲) و (۳) واکه‌های گرد پیشین / ü / و / ö / جایگزین واکه‌های پسین گرد زبان مبدا می‌شوند.

واژه قبل از وام گیری	واژه بعد از وام گیری
1) golab	ːülab
2) kuze	cüze
3) ?omr	[?ömür

۲.۱.۴ فرایندهای واجی

۱.۲.۱.۴ هماهنگی واکه‌ای

ترکیب واکه‌ها در زبان‌های مختلف متفاوت است. هماهنگی واکه‌ها می‌تواند بر اساس مشخصه‌هایی همچون پیشینی پسینی، ارتفاع، پیش آمدگی ریشه زبان، گردی و گستردگی باشد؛ مثلاً در زبان فنلاندی اگر واژه‌ای دارای واکه‌های پسین (o,u,a) باشد واکه‌های پیشین نمی‌تواند در آن کلمه ظاهر شوند (Gussenhoven & Jacobs, 2011, 202, Ahmadkhani, 2010).

a & b). این قاعده اساسی ترین قاعده واجی در زبان ترکی است و آواهای برخی پسوندها از لحاظ ارتفاع و گردی با واکه‌های ریشه هماهنگ می‌شوند (Kenstowic & Jensen: Kisseberth, 1979:247-24688-90, 2004).

وام واژه‌ها در جدول (۱) همگی دارای واکه پسین هستند.

جدول ۱. هماهنگی واکه‌ای در برخی از وام واژه‌ها

وام واژه قبل از وام گیری	وام واژه بعد از وام گیری	زبان مبدا
[tajfe]	[tajfa]	فارسی
[suræt]	[surat]	فارسی
[sælamæt]	[salamat]	فارسی
[tæjjare]	[tajjara]	عربی
[vabæste]	[vabasta]	فارسی

۲.۲.۱.۴ ابدال

در این فرایند به دلایل واجی، صرفی و نحوی تغییراتی در همخوانها صورت می‌گیرد. مثلاً در زبان ولش تحت شرایطی واج /b/ به /v/ و /m/ به /v/ تبدیل می‌شود (Ball & Muller, 1992). در زبان فارسی نیز این فرایند در برخی واج‌ها دیده می‌شود؛ همانند // [dɔzv] در // [dɔzv] تبدیل می‌شود. (حق شناس، ۱۳۸۴: ۱۶۰). در زبان ترکی نیز ابدال (mutation) در برخی وام واژه‌ها دیده می‌شود. در مثال‌های (۴) تا (۹) واج‌های /b/ //v//، /x/ //v//، /? / و /d/ //n/ به ترتیب به /v/ یا /f/ //b/ //h// تبدیل می‌شوند.

وام واژه قبل از وام گیری	وام واژه بعد از وام گیری	وام واژه
4)baGban	baGvan	باغبان
5)væfa	bæfa	وفا
6)tænab	Tænaf	طناب
7)zærær	zæræl	ضرر
8)taɖʒ	taʒ	تاج
9) ?asan	hasat	آسان

۳.۲.۱.۴ نرم شدگی

نرم شدگی (lenition) یا تضعیف (weakening) فرایندی است که در آن کاهش در میزان انقباض عضلات دخیل در تولید آوا بوجود می‌آید. در این فرایند آواهای انسدادی گرایش به حذف شدن از طریق تبدیل به آوای سایشی و ناسوده (approximation) دارند. همچنین آوای بی‌واک گرایش به واکداری دارند (۱۰ و ۱۱)، (Jensen, 2004: 56).

(۱۰) صفر > ناسوده > سایشی > انسدادی

(۱۱) واکدار > بی‌واک

در مثال‌های (۱۲) تا (۱۴) فرایندهای نرم شدگی رخ داده است. در (۱۲) و (۱۳) آوای انسدادی به سایشی و در (۱۴) آوای بی‌واک به واکدار تبدیل شده است.

واژه	واژه بعد از وام‌گیری	واژه قبل از وام‌گیری
دکتر	dühdür	12) doktor
تراکتور	Tiraxtur	13) teraktor
عکس	?ciz	14) ?cs

۴.۲.۱.۴ درج

در فرایند درج (insertion)، آوایی به آغاز، میان یا آخر واژه افزوده می‌شود. یک نمونه از بازنمایی واجی درج به این صورت می‌باشد: Gussenhoven & Jacobs (2011: 99). در زبان ترکی این فرایند در وام‌واژه‌های (۱۵) و (۱۶) دیده می‌شود:

واژه	واژه بعد از وام‌گیری	واژه قبل از وام‌گیری
روح	uruh	15) ruh
شنبه	?iʃænbæ	16) ʃænbe

۵.۲.۱.۴ همگونی

همگونی فرایندی است که در آن آوایی شبیه آوای مجاور خود می‌شود (Jensen, 2004:55). در مثال (۱۷) آوای [t] به دلیل واکدار بودن همخوان درج شده، واکدار شده و به [d] تبدیل می‌شود.

واژه	واژه بعد از وام‌گیری	واژه قبل از وام‌گیری
فرصت	firsænd	17)forsæt

۶.۲.۱.۴ حذف

در این فرایند واج از ابتدا، میان یا آخر کلمه حذف می‌گردد (Gussenhoven & Jacobs, 2011:97). در وام‌واژه‌های (۱۸) و (۱۹) همخوانهای /t/ʔ/ حذف شده‌اند.

واژه	واژه بعد از وام‌گیری	واژه قبل از وام‌گیری
هنرمند(انگلیسی)	?artis	18) ?artist
نعل	nal	19)næʔl

۷.۲.۱.۴ قلب

در فرایند قلب (metathesis) جابه‌جایی واجی در واژه صورت گرفته و ترتیب واج‌ها معکوس می‌گردد. این فرایند به عنوان خطای گفتاری نیز در نظر گرفته می‌شود (Ahmadkhani, 2010 a & 2010 b, 1996:48 Spencer). در مثال‌های (۲۰) و (۲۱) در خوشه‌های همخوانی //bt/ جابه‌جایی صورت گرفته است.

واژه	واژه بعد از وام‌گیری	واژه قبل از وام‌گیری
کبریت	kirbit	20) kebrit
تبریز	tærbiz	21)tæbriz

۲.۴ فرایندهای صرفی

۱.۲.۴ کلمات پیچیده

۱۰ بومی‌سازی واجی و صرفی وام‌واژه‌ها در زبان ترکی آذربایجانی

در ترکی آذربایجانی در فرایند بومی‌سازی وام‌واژه‌ها گاهی وندی اشتقاقی به وام‌واژه بسیط اضافه می‌شود. در مثال‌های (۲۲) پسوندهای -lu/-li-و در مثال (۲۳) پسوند (□□i) به واژه بسیط اضافه شده و وام‌واژه پیچیده (complex) بوجود می‌آید.

واژه	واژه بعد از وام‌گیری	واژه قبل از وام‌گیری
مغرور	Gurur-lu	22a) m æ Grur
صبور	s æbir-li	22b)s æbur
عاقل	?Gil-li	22c) ?Gel
موذن	?æzan-tʃu	23)moʔzzen

پسوندهای (۲۲) به معنی "داشتن ویژگی" می‌باشد و با توجه به قاعده هماهنگی واکه‌ای در حقیقت گونه‌های مختلف یک تکواژ هستند که در واژه در فرایند هماهنگی واکه‌ای شرکت می‌کنند.

واژه	واژه بعد از وام‌گیری	واژه قبل از وام‌گیری
تبریک	t æbib-lik	24) tebab æ t
وکیل	v æ cil-lik	25)v æ cil

در مثال‌های (۲۴) و (۲۵) وند -lik- با مفهوم اسم معنی و حرفه ساز به واژه‌های بسیط اضافه می‌شود و آن‌ها را پیچیده می‌سازد.

واژه	واژه بعد از وام‌گیری	واژه قبل از وام‌گیری
انسانی	?insan-lig	26) ?ensani

در مثال (۲۶) وند -lig- به مفهوم اسم مصدر به واژه بسیط اضافه شده و آن را پیچیده می‌سازد.

در وام‌واژه‌های (۲۷) و (۲۸) صفات مرکب به هنگام وام‌گیری حالت ترکیبی خود را از دست داده و با استفاده از پسوند -li- به وام‌واژه‌های پیچیده تبدیل می‌شوند.

واژه	واژه بعد از وام گیری	واژه قبل از وام گیری
خوش اندام	?andam- li	27) xof-ændam
اخلاق	?æxlaG- li	28) xof-æxlaG

همچنین در (۲۹) صفات فاعلی مرکب هنگام وام گیری با پسوندهای حرفه ساز u □□ / □□۱ با توجه به قاعده هماهنگی واکه‌ای به واژه پیچیده تبدیل می‌شود:

واژه	واژه بعد از وام گیری	واژه قبل از وام گیری
فتنه کار	fitn æ-tʃi	29a) fetne-kar
حقوقدان	huGuG-tʃu	29b) huGuG-dan

در برخی وام واژه‌ها افعال مرکب فارسی به فعل پیچیده تبدیل می‌شوند. در مثال‌های (۳۰) و (۳۱) افعال مرکب به افعال پیچیده تبدیل می‌شوند. در وام واژه‌ها به ریشه پسوند فعل ساز -læ- افزوده می‌شود و سپس پسوند مصدر ساز -mæk- اضافه می‌شود. (بهزادی، ۱۳۸۹: ۳۸, ۲۲۷, ۲۰۰۰, Lewis).

واژه	واژه بعد از وام گیری	واژه قبل از وام گیری
رنده زدن	rændæ-læ-mæk	30) rænde-zædæn
رنگ زدن	ræŋ- læ-mæk	31) ræŋ-zædæn

۲.۲.۴ کلمات مرکب

در زبان ترکی گاهی در ترکیبات نحوی همپایه اسمی دارای تکواژ همپایه ساز /o/ فارسی، در فرایند سازگاری صرفی همچون (۳۲) و (۳۳)، تکواژ /o/ حذف می‌شود و ترکیب نحوی به واژه مرکب تبدیل می‌شود.

واژه	واژه بعد از وام گیری	واژه قبل از وام گیری
پول و مول	pul-mul	32) pul-o-pæle
سر و سر	sir-mir	33) sær-o ser

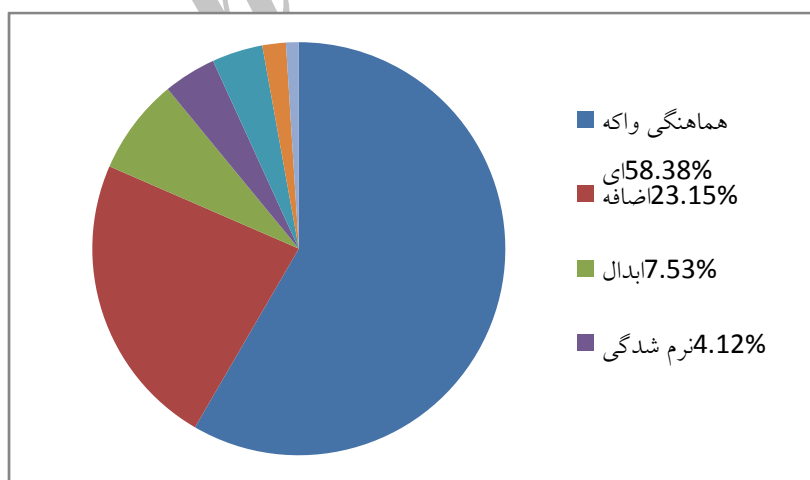
۵. نتیجه‌گیری

هدف از تحقیق حاضر بررسی فرایندهای واجی و صرفی در وام‌واژه‌های زبان ترکی بود. زبان ترکی نیز همانند دیگر زبان‌ها واژه‌هایی را زبان‌های دیگر وام‌گیری کرده است. در حوزه واجی فرایندهای هماهنگی واکه‌ای، درج، ابدال، نرم‌شدگی، حذف، همگونی، قلب و همگونی در وام‌واژه‌ها بررسی شدند. در این پژوهش ۷۰۴ وام‌واژه از زبان‌های فارسی، عربی بررسی شدند. ۴۱۱ وام‌واژه تحت تأثیر فرایند هماهنگی واکه‌ای (۵۸.۳۸٪)، ۱۶۳ وام‌واژه تحت تأثیر درج (۲۳.۱۵٪)، ۵۳ واژه تحت تأثیر ابدال (۷.۵۳٪)، ۲۹ واژه تحت تأثیر نرم‌شدگی (۴.۱۲٪)، ۲۸ واژه تحت تأثیر حذف (۳.۹۸٪)، ۱۳ واژه تحت تأثیر فرایند جابه‌جایی واجی (۱.۸۵٪) و ۷ واژه تحت تأثیر فرایند همگونی (۰.۹۹٪) می‌باشند. فرایند هماهنگی واکه‌ای بیشترین بسامد را دارا بوده و کمترین بسامد مربوط به فرایند همگونی است. بیشترین و کمترین بسامد را به صورت زیر می‌توان نشان داد:

هماهنگی واکه‌ای <اضافه> ابدال <نرم‌شدگی> حذف <قلب> همگونی

در این پیوستارعلامت < به معنای بیشترین بسامد می‌باشد. یعنی بسامد هماهنگی واکه‌ای بیشتر از اضافه و اضافه بیشتر از ابدال و ابدال بیشتر از نرم‌شدگی و نرم‌شدگی بیشتر از حذف و حذف بیشتر از قلب و قلب بیشتر از همگونی می‌باشد. نمودار دایره‌ای فرایندهای واجی در نمودار (۱) آمده است.

(۱) نمودار فرایندهای واجی مورد بررسی در تحقیق

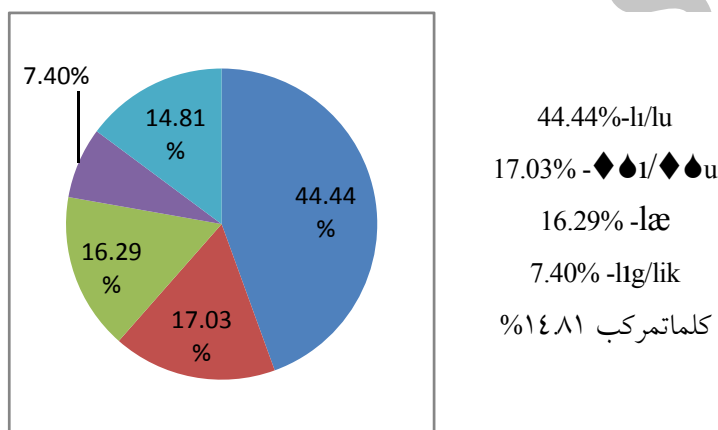


در حوزه صرف فرایند اشتقاق و ترکیب مورد بررسی قرار گرفت. در این بخش ۱۳۵ وام واژه بررسی شدند، ۱۱۵ واژه تحت تأثیر فرایند اشتقاق که به ترتیب ۶۱ واژه پذیرای وند $-lu/-li$ (۴۴٪)، ۲۳ واژه پذیرای وند u و I (۱۷.۰۳٪)، ۲۲ واژه پذیرای وند $-læ$ (۱۶.۲۹٪)، ۱۰ واژه پذیرای وند $-liglik$ (۷.۴۰٪) و ۲۰ واژه (۱۴.۸۱٪) تحت تأثیر فرایند ترکیب می‌باشند. بیشترین بسامد مربوط به اشتقاق و کمترین بسامد مربوط به ترکیب می‌باشد. در اشتقاق کمترین و بیشترین بسامد را به صورت زیر می‌توان نشان داد:

وند $-lu, -li$ وند u و I وند $-læ$ وند $-liglik$

در این پیوستار بسامد وند $-lu/-li$ بیشترین و $lig/-lik$ کمترین می‌باشد.

نمودار (۲) بسامد فرایندهای صرفی را نشان می‌دهد.



نمودار ۲. فرایندهای صرفی مورد بررسی در تحقیق

همانطور که نتایج نشان می‌دهند در حوزه واج شناسی وام واژه‌ها با در صد بالایی تحت تأثیر فرایند هماهنگی واکه‌ای که پربسامدترین فرایند واجی در زبان ترکی است (Kabak, 2011) قرار گرفته‌اند. در حوزه صرف نیز این گرایش وجود دارد که واژه‌های ساده تحت فرایند وند افزایشی به واژه‌های پیچیده تبدیل شوند و نیز ترکیبات نحوی عطفی گروه اسمی به واژگان مرکب تبدیل شوند. با توجه به ماهیت پیوندی زبان ترکی (Spencer 2001: 245, Zwicky & Zwicky). این بومی‌سازی صرفی در راستای ماهیت صرفی این زبان است. بنابراین مطالعه وام واژه‌ها بازتابی از ماهیت زبان وام گیرنده است و با مطالعه آن می‌توان رفتار وام واژه‌ها را با توجه به ماهیت خود زبان پیش‌بینی کرد.

کتاب‌نامه

- بهزادی، بهزاد.(۱۳۸۹). فرهنگ ترکی-فارسی. تهران: فرهنگ معاصر.
- حق شناس، علیمحمد.(۱۳۸۴). آواشناسی زبان فارسی. تهران: انتشارات آگاه.
- شقایق، ویدا.(۱۳۸۷). مبانی صرف، تهران: انتشارات سمت.
- مدرسی، یحیی.(۱۳۹۱). درآمدهای برجامه‌شناسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هادی، اسماعیل.(۱۳۷۹). فرهنگ ترکی نوین: تاملاتی در عرصه ریشه‌شناسی ترکی فارسی، تبریز: احرار.
- Abdul Jabar, M.(1983). *Arabic loan words in Malay*.Kualalumpur: University of Malay Press.
- Aitchison,J.(2000).*Language change: progress or decay*.Cambridge: Cambridge University Press.
- Ahmadkhani.M.R.(2010a).«PhonologicalmetathesisinPersian: synchronic,diachronic and optimality». *Pazuhesh-e Zabanhayeh Khareji*,56,5-25.
- Ahmadkhani, M. R.(2010b).«Vowel and Vowel-consonant Harmony in Persian». Seoul International Conference on Linguistics.(SICOL 2010),University of Korea, South Korea.
- Ball, M.J.&N. Muller.(1992). *Mutation in Welsh*: London: Rutledge.
- Berko, J. (1958). The Child's learning of English morphology. *Word*, 14, 150-177.
- Bjorkman, E.(1969).Scandinavian loan-words in Middle English.New York: Haskell House.
- Chang,C.B.(2008). Phonetics vs. phonology in loanword adaptation: revisiting the role of the bilingual, California: UC Berkeley Phonology Lab Annual Report.
- Corriente, F. (2008). *A dictionary of Arabic and allied loanwords*.Ledededn:Brill
- Danesi, M. (1985). *Loanwords and Phonological Methodology*. Toronto: Didier.
- Dohlus, K. (2010). The role of phonology and phonetics in Loanword phonology: German and French front round vowels in Japanese. Berlin: Peter Lang.
- Lewis, G.(1967). *Turkish Grammar*.Oxford University Press.
- Gonzalez,F.R.(1996). *Spanish loanwords in English language: a tendency toward hegemony reversal*. Berlin:Mouton de Gruyter
- Green, Antony.D.(2003).The Independence Of Phonology And Morphology:The CelticMutation.University of Potsdam, *ZAS Papers in Linguistics*,vol. 32: 47-86.
- Gumperz, J. (1982). *Discourse Strategies*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Gussenhoven, Carlos& Jacobs, Haike.(2011). *Understanding Phonology*. London.
- Hafiz, Ola,(1996). « Phonological and MorphologicalIntegration of Loan words into EgyptianArabic », *Égypte/Monde arabe* (Première série) 27-28.383-410.
- Haspelmath, M. & Uri Tadmor. (2009). *Loanwords in the World's Languages: A ComparativeHandbook*. Berlin: De Gruyter Mouton.
- Haugen, E. (1950)«The Analysis of LinguisticBorrowing». *Language*26, p. 210-231.

- Haugen, ----- (1969) *The Norwegian language in America*. Bloomington: Indiana University Press.
- Heath, Jeffery. (1989). *From Codeswitching to Borrowing: Foreign and Diglossic Mixing in Moroccan Arabic*. London: Kegan Paul International
- Hoffmann, C. (1991). *An introduction to bilingualism*. London: Longman
- Hudson, R.A. (2001). *Sociolinguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Irwin, M. (2011). *Loanwords in Japanese*. Amsterdam: John Benjamin.
- Jensen, J.T. (2004). *Principles of Generative Phonology*. Amsterdam: John Benjamins.
- Jones, R. (2008). *Loan words in Indonesian and Malay*. Leiden: KITLV Press.
- Kabak, A. (2011). Turkish vowel harmony. In M.V. Ostendorf, C. J. Wen, E. Hume, K. Rice (eds), *The Blackwell Companion to Phonology*. Oxford: Blackwell, 2831-2855.
- Katamba, Francis. (2006). *An Introduction to Phonology*. New York: Longman.
- Kenstowicz, M., & C.W. Kisseberth. (1979). *Generative Phonology: Description and Theory*. New York: Academic Press.
- LaCharité, D. & Paradis, C. (2005). «Category preservation and proximity versus phonetic approximation in loanword adaptation». *Linguistic Inquiry* 36-2: 223-258.
- Lewis, L.G. (2000). *Turkish Grammar*. Oxford: Oxford University Press.
- Oh, M. & S. Kim. (2011). «Morphological effects in loanword adaptation: Adaptation of the English plural suffix into Korean». *Linguistic Research*: 29(2) 299-314.
- Poplack, S. (1980). «Sometimes I'll start a sentence in Spanish y termino en Espanol: toward a typology of code-switching». *Linguistics*: 18: 581-618.
- Premawardhenam, N.C. (2003). Impact of English loanwords on modern Sinhala. In 9th International Conference on Srilanka Studies.
- Romain, Suzanne. (1989). *Bilingualism*. Oxford: Basil Blackwell.
- Spencer, Andrew. (1996). *Phonology*. Oxford: Blackwell.
- Spencer, A. & A.M. Zwicky. (2001). *The handbook of Morphology*. Oxford: Blackwell.
- Trudgill, P. (1974). *Sociolinguistics: An introduction*. New York: Penguin.
- Trudgill, P. (2002). *Sociolinguistic variation and change*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Uffman, C. (2007). *Vowel epenthesis in loanword adaptation*. Berlin: De Mouton Gruyter
- Zawawi, S. (1979). *Loanwords and their effect on classification of Swahili nominals*. The Hague: Brill.